



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

Volume 5, Issue 4, 2025

## *Tashhir* in the Criminal Policy of Islam and Iran (Challenges and Solutions)

Ali Mokarami\*<sup>1</sup>, Abdolali Tavajohi<sup>2</sup>

1. Criminal Law and Criminology Department, Edalat University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

2. Department of Law, Shahed University, Tehran, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

*Type of Article:*

*Original Research*

*Pages: 121-134*

*Corresponding Author's Info*

*ORCID: 0000-0000-0000-0000*

*TELL: +989122720815*

*Email: a.mokarrami46@gmail.com*

*Article history:*

*Received: 15 Feb 2025*

*Revised: 03 May 2025*

*Accepted: 12 June 2025*

*Published online: 22 Dec 2025*

*Keywords:*

*Denigration, Protective  
Educational Measure,  
Criminal Policy, Coerced  
Destimony.*

### ABSTRACT

Denigration means defaming a person. In the new laws approval is the concept of publishing the names and pictures of accused or criminals, with the aim of deterring, punishing, identifying and scandalizing and it has a jurisprudential and legal history. This is despite the fact that the legislator, in recent laws, by distancing himself from jurisprudence and legal foundations, with conditions, issued it to the accused and by canceling the law on protective and educational measures, assigned it to dangerous criminals with a history and negative effects and Irreparable social and family disasters have left it in oblivion. The important question is that what position denigration has in the criminal policy of Iran and Islam and what extent is it effective and can it be extended to all crimes or not? denigration, in the sense of public announcement of the criminal with the description of scandal, is against the criminal policy of Islam and Iran, and due to the need to preserve the personality and dignity of individuals, it is not used except in cases of necessity and there is more important expediency, and it is limited to the cases prescribed by Sharia. According to the scientific progress and the development of human society, it is not possible to implement the old methods such as turning the criminal in the city, and its negative personal and social effects in terms of destroying the character of the criminal and the accused and their families are irreparable. The author's suggestion is to remove it from the series of punishments in order to preserve human dignity and reduce its destructive effects. and be considered as an alternative punishment or a protective and educational measure with special restrictions.



This is an open access article under the CC BY license. © 2025 The Authors.

**How to Cite This Article:** Mokarami, A & Tavajohi, A (2025). "Tashhir in the Criminal Policy of Islam and Iran (Challenges and Solutions)". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 5(4): 121-134.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

# فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

دوره پنجم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۴

## تشهیر در سیاست جنایی اسلام و ایران (چالش‌ها و راهکارها)

علی مکرمی\*، عبدالعلی توجهی<sup>۲</sup>

۱. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه عدالت، تهران، ایران. (نویسنده مسؤل)

۲. گروه حقوق، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

### چکیده

تشهیر به معنای بدنام کردن در قوانین جدیدالتصویب به مفهوم انتشار اسامی و تصاویر متهمان یا مجرمان، با هدف بازدارندگی، سزادهی، شناسایی و رسوایی است و سابقه فقهی و حقوقی دارد. تشهیر، به عنوان مجازات معین شرعی (حد)، مورد نظر فقها نبوده و در کتاب حدود، نامی از آن به میان نیامده است. با این حال، بیشتر فقها آن را به عنوان تعزیر در شهادت زور و ...، با وجود مصلحت و ضرورت و با نگاهی تأمینی و تربیتی، غالباً مختص مجرمین خطرناک و سابقه‌دار، جاری می‌دانند و به هیچ وجه، در خصوص متهمی که جرمش ثابت نشده است، همانند شکنجه، روا نمی‌دانند. این درحالی است که قانون‌گذار، در قوانین اخیر، با فاصله گرفتن از مبانی فقهی و حقوقی، با شرایطی، جواز آن را در مورد متهم صادر و با نسخ قانون اقدامات تأمینی و تربیتی موضوع اختصاص آن به مجرمان خطرناک و سابقه‌دار و آثار منفی و آفات جبران‌ناپذیر اجتماعی و خانوادگی آن را به فراموشی سپرده است. به نظر، تشهیر به مفهوم اعلام عمومی مجرم با وصف رسواکنندگی مخالف سیاست جنایی اسلام و ایران بوده و به جهت لزوم حفظ شخصیت و حیثیت افراد جزء در موارد ضروری و وجود مصلحت مهم‌تر کاربرد ندارد و محدود به موارد منصوص شرعی می‌باشد. پیشنهاد نگارنده این است که به جهت حفظ کرامت انسانی و کاهش آثار مخرب آن از سلسله مجازات‌ها حذف شده و به عنوان مجازاتی جایگزین یا اقدامی تأمینی و تربیتی و با محدودیت‌های خاص در نظر گرفته شود.

### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۲۱-۱۳۴

اطلاعات نویسنده مسؤل

کد ارکید: .....

تلفن: +۹۸۹۱۲۲۷۲۰۸۱۵

ایمیل: a.mokarrami46@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۷

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

تشهیر، مجازات تردیلی، اقدامات تأمینی و

تربیتی، سیاست جنایی.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

**مقدمه**

دانسته است<sup>۱</sup> و در اصل ۳۹ تصریح نموده که هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد، ممنوع و موجب مجازات است. شارع نمی‌پسندد که بی‌دلیل، شخصیت و آبروی افراد به خطر افتد، لکن انتشار تصاویر و اسامی بزهدکاران یا تشهیر مطابق قانون جدید، یکی از انواع مجازات‌های تعزیری است که در مواد ۱۹، ۲۳ و ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ از آن به‌عنوان مجازات اصلی و تکمیلی و تبعی یاد شده و در جرایمی همچون کلاه‌برداری، اختلاس، اعمال نفوذ و ... کاربرد دارد. در مواردی نیز اجرای آن در مورد برخی از مجرمین، الزامی شده است.<sup>۲</sup>

به اعتقاد قاطبه فقها، تشهیر، مجازات اصلی جرم شهادت زور است و مطابق متون معتبر، در مورد قاذف، قواد، کلاه‌بردار و مانند آن هم اجرا می‌شود و در این زمینه موافقان و مخالفان ادله خویش را با استفاده از ادله عقلی و نقلی بیان کرده‌اند. در این زمینه، برخی از فقها معتقدند با توجه به ماهیت تعزیری تشهیر، این مجازات قابل گسترش به سایر جرایم نیز است و این تعمیم به‌خاطر دلیل مشترک، در همه آن موارد است.

لازم به‌ذکر است که قانون‌گذار درحالی که برای آن محدودیت قائل شده، لکن فراتر از فقه، اجرای آن را حتی برای متهمان مورد تعقیب (در صورت وجود مصلحت و ضرورت)، روا دانسته است.

**۲- مستندات و مجاری فقهی حقوقی تشهیر**

حفظ آبروی متهم در جریان دادرسی ضرورتی است که پشتوانه فقهی بسیار متقنی در حقوق جزای اسلامی داشته و در قرون اخیر نیز مورد توجه مکاتب و جریان‌های کیفری در غرب واقع شده است که ماحصل آن به‌طور چشم‌گیری در

در نظام کیفری اسلام، با توجه به اهداف کیفر که بازگشت مجرم به زندگی شرافتمندانه و بازپروری و نیز خودداری از تکرار جرم و بازدارندگی است، با در نظر داشتن مصالح فرد و جامعه و ضرورت‌ها، اقدامات تأمینی و تربیتی و یا مجازات‌های متناسب وضع می‌گردد.

تشهیر، به‌صورت گرداندن متهم یا مجرم بین مردم جهت آشنایی و رسوایی، در طول تاریخ بشر، به‌ویژه تاریخ اسلام وجود داشته و در سال‌های اخیر در مورد مجرمان اقتصادی و حتی متهمانی تحت عنوان ارادل و اوباش که هنوز جرمشان ثابت نشده، در کوچه و بازار و محله اجرا گردیده است. این نوع واکنش کیفری، به‌جهت آسیب‌زدن به سرمایه اصلی انسان، یعنی آبرو و شخصیت افراد، خانواده و قبیله، از اهمیت و حساسیت بیش‌تری نسبت به سایر مجازات‌ها برخوردار است.

اعمال مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، تابع اصول مشترکی هستند که تخطی از آن به هیچ‌وجه جایز نیست. این اصول حافظ حقوق و آزادی‌های فردی و ضامن حق کرامت انسانی است که در قانون اساسی محترم شمرده شده است، زیرا اجرای مجازات‌ها و اقدامات تأمینی، مستلزم محدود کردن آزادی‌های فردی و تحمیل سختی‌هایی است که اگر از حدود ضرورت فراتر رود، خود ظلم و تجاوز به حقوق دیگران تلقی می‌گردد.

در این پژوهش تلاش می‌شود تا ماهیت و جایگاه فقهی و حقوقی تشهیر در سیاست جنایی اسلام و ایران مشخص گردد و در پایان، با نتیجه‌گیری و برشمردن چالش‌ها، راهکارهای مورد نظر ارائه خواهد شد.

**۱- بیان مسأله**

تشهیر، برخلاف سایر مجازات‌ها، به‌شدت دارای وصف تردیلی و تحقیرکننده بوده و به‌صورت مستقیم، شخصیت و هویت آدم‌ها را هدف قرار می‌دهد. این درحالی است که در آموزه‌های دینی، آبروی مؤمن بالاتر از کعبه قلمداد شده است و قانون اساسی، با ذکر حیثیت مقدم بر جان، حفظ آن را لازم

<sup>۱</sup>- اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸: حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

<sup>۲</sup>- ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: حکم محکومیت قطعی در جرایم موجب حد محاربه و افساد فی‌الارض یا تعزیر تا درجه چهار و نیز کلاه برداری بیش از یک میلیارد ریال (۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰)، در صورتی که موجب اخلال در نظم یا امنیت نباشد، در یکی از روزنامه‌های محلی در یک نوبت منتشر می‌شود.

از امام صادق (ع) روایت شده است (ابن ابی‌جمهور احسائی، ۱۴۰۵: ۱۴۳۲/۳): «شاهدان زور به مقدار نامعین و به تشخیص حاکم تازیانه خورده و بین مردم گردانده می‌شوند تا شناخته شوند و دوباره مرتکب جرم نشوند و زمان گرداندن (تشهیر)، نامش و جرم ارتكابی فریاد زده می‌شود؛ این که از وی دوری کنید و گفتارش را قبول نکنید.»

در مشروعیت جواز تشهیر شاهد زور، شکی وجود ندارد، نهایت برخی واجب و برخی مستحب دانسته‌اند.

صاحب ریاض المسائل آورده است: «واجب است که شاهد زور در وطن خود و اطراف آن معرفی و تشهیر شود تا از پذیرش شهادت دوباره او اجتناب شود و دیگران نیز از ارتکاب جرم شهادت زور خودداری ورزند. همچنین واجب است وی به گونه‌ای که امام و حاکم شرع تشخیص می‌دهد، تعزیر شود تا خوی جسارت و حریم‌شکنی او ریشه‌کن شود...» (طباطبایی کربلایی (حائری)، ۱۴۱۸: ۴۳۲/۱۵-۴۳۱).

شیخ مفید که برعکس وی معتقد به عدم وجوب تشهیر شاهد زور است، می‌نویسد: «واجب است شاهد زور به کمتر از مقدار حد، مجازات شود و برای حاکم، سزاوار است که او را در شهر تشهیر کنند تا مردم وی را به شاهد زور بودنش بشناسند، بدین ترتیب سخنی از وی گفته نشده و برای گواهی گرفتن به او رجوع و توجه نمی‌شود. مسلمانان از او دوری گزیده و بر حذر می‌شوند» (مفید (شیخ مفید)، ۱۴۰۷: ۷۹۵).

نتیجه آن که: شهادت زور عنوانی برگرفته از آیات و روایات است و در فقه شکی در مشروعیت و جواز تشهیر شاهد زور وجود ندارد و تنها اختلاف فقها در وجوب یا جواز آن است.

#### ۲-۲- قذف و تشهیر

ضرورت مصونیت اشخاص از اتهامات جنسی ناروا، شارع مقدس و به تبع آن مقنن را بر آن داشته که در زمره جرایم علیه تمامیت معنوی اشخاص، مجازاتی برای این رفتارها که به‌طور مستقیم با آبرو و حریم خصوصی اشخاص ارتباط دارد، وضع کند که بنابر آرای برخی از فقها، تشهیر نیز یکی از مجازات فرد قاذف است.

قوانین داخلی کشورها و اسناد و میثاق‌نامه‌های بین‌المللی دیده می‌شود. برای مثال، در بند ۱ از ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ میلادی چنین بیان شده است: «درباره کلیه افراد که از آزادی خود محروم شده‌اند، باید با انسانیت و احترام به حیثیت ذاتی شخص انسان رفتار کرد.»

تشهیر نیز به‌جهت طبیعت رسواسازانه خود ممکن است به شکل جبران‌ناپذیری به آبروی متهم در جریان تحقیقات که هر آن امکان خلاصی از اتهام دارد، لطماتی جبران‌ناپذیر وارد آورد. از این رو شایسته است که با عنایت به پشتوانه فقهی قوانین در ایران، به جواز یا عدم جواز چنین اقدامی پرداخت. واکاوی این موضوع محتاج مراجعه مجدد به ماهیت تشهیر از منظر فقه اسلامی است.

#### ۲-۱- شهادت زور و تشهیر

شهادت در لغت به‌معنای حضور و معاینه و اطلاع آمده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۷: ۳۹۷) و در اصطلاح عبارت است از: انتقال حقیقت امری از ناحیه فردی واجد شرایط که آن را دیده یا شنیده، به قاضی محکمه، علیه یکی از اصحاب دعوی و به نفع دیگری با ادای سوگند و التزام به راستگویی (مدنی، ۱۳۸۸: ۳۵۵).

کاربرد فراوان شهادت در اثبات دعاوی کیفری و مدنی و همچنین ظرفیت سوءاستفاده‌های فراوان از این دلیل اثبات دعوا، اقتضا دارد که اقدامات مناسبی در جهت جلوگیری از تضییع حق افراد حاضر در دادرسی با خدعه و نیرنگ از طریق شهادت صورت گیرد. نظر به تبعات بسیار منفی شهادت دروغ در بیشتر کشورها، از جمله کشور ما، این موضوع جرم‌انگاری شده است و برای آن مجازات سنگین در نظر گرفته شده است.

عبارت شهادت زور در آیات و روایات به‌صراحت آمده است. آنجا که خداوند متعال در سوره فرقان آیه ۷۲ می‌فرماید: «والذین لا یشهدون الزور و اذا مرو باللغو مرو کراما؛ و کسانی که شهادت زور نمی‌دهند و هنگامی که با لغو و بی‌هودگی برخورد می‌کنند، بزرگوارانه از آن می‌گذرند.»

#### ۲-۴- تدلیس و تشهیر

تدلیس می‌تواند در امور مختلفی، از جمله امر ازدواج جلوه نماید، اما در حال حاضر تدلیس مورد نظر در حیثه کالا و اموال است. تصور این جرم بدون عنصر احتیال و به‌دنبال آن تسلیم مال با رضایت ظاهری خود مالک و بدون قهر و غلبه، غیرممکن است.

از نگاه فقها، تدلیس به هنگام معامله کالا و اموال، علاوه بر مسؤولیت مدنی مدلس نسبت به ضمان مال مورد معامله به‌دنبال اعمال خیار تدلیس و خیار عیب از جانب مشتری، از نظر جزایی کیفر تشهیر را نیز برای فروشنده به‌دنبال دارد.

در مباحث فقهی نیز عموماً از تدلیس در ابواب مربوط به تجارت و قرارداد سخن گفته شده است و تنها تئ چند از فقهای متقدم، در کنار در نظر گرفتن احکامی برای احتیال، تدلیس را نیز در حکم احتیال دانسته‌اند، پس درست است که بگوییم: تدلیس در حیثه اموال عنوان مجرمانه جدید و مستقلی نیست، بلکه شاخه‌ای از احتیال و از مصادیق آن و از خانواده جرم کلاهبرداری است. از این رو براساس مجموع ادله فقهی که در خصوص مشروعیت تشهیر محتال آورده شد، همه احکام و کیفرهای مترتب بر احتیال را نیز به‌دنبال دارد که از زمره آن می‌توان به تشهیر مرتکب این جرم اشاره نمود.

#### ۲-۵- قیادت و تشهیر

قانون مجازات اسلامی ضمن ذکر قوادی در حدود در ماده ۲۴۲، در ماده ۲۴۳ نیز مجازات آن را این‌گونه تبیین می‌نماید: «حد قوادی برای مرد هفتادوپنج ضربه شلاق است و برای بار دوم علاوه بر هفتادوپنج ضربه شلاق به‌عنوان حد، به تبعید تا یک‌سال نیز محکوم می‌شود که مدت آن را قاضی مشخص می‌کند و برای زن هفتادوپنج ضربه شلاق است.»

بنابراین در نظام کیفری ایران جوازی برای تشهیر در جرم قوادی صادر نشده است، لیکن تشهیر قواد در میان فقهای امامیه علی‌رغم عدم وجود روایتی دال بر آن، طرفداران جدی دارد تا جایی که سیدمرتضی این‌گونه در آن ادعای اجماع کرده است: «سرش تراشیده و در شهری که مرتکب چنین کاری شده، تشهیر می‌گردد و همچنین زنی که زنان گناهکار را به این منظور جمع نماید، شلاق می‌خورد، اما نه سرش تراشیده می‌شود و

خداوند متعال در آیه چهارم سوره نور می‌فرماید: «و آنان که به زنان با عفت مؤمنه نسبت زنا دهند، آنگاه چهار شاهد عادل بر دعوی خود نیاورند، آنان را هشتاد ضربه تازیانه کیفر دهید و دیگر هرگز شهادت آن‌ها را نپذیرید که مردمی فاسق و نادرستند.» (نور/۴).

قذف نزد فقهای امامیه، عبارت است از: «نسبت‌دادن زنا یا لواط یک مرد یا زن بالغ، عاقل، مختار، قاصد و آگاه به معنی لفظ، با الفاظ کاملاً صریح یا به‌منزله صریح به زن یا مرد بالغ، عاقل، حر، مسلمان یا عقیف» (طوسی، ۱۳۶۵: ۳۵).

بنابراین قذف با شهادت زور تفاوت مبنایی دارد و قابل قیاس نیست، چون قذف موضوعی منافی عفت و غیراخلاقی است که اصل بر پوشاندن موضوع بوده و تشهیر خلاف این امر است و توالی فاسد آن بیشتر از عدم تشهیر است.

#### ۲-۳- احتیال و تشهیر

فقهای عامه، تعبیر احتیال به‌عنوان یکی از گناهان راه، در معنای حیله‌های شرعی استعمال نموده و برای کلاهبرداری به جای احتیال از واژه تزویر استفاده کرده‌اند و این واژه را نیز در کنار شهادت زور که یکی از مصادیق تزویر و یکی از راه‌های احتیال و کلاهبرداری است، بیان داشته و فصلی جداگانه به آن اختصاص داده‌اند.

حکم به تشهیر محتال توسط گروهی از فقیهان امامیه و عامه، پذیرفته شده است و این درحالی است که هیچ دلیل و نص ویژه‌ای در خصوص جواز چنین کیفری وجود ندارد.

محقق سبزواری می‌نویسد: «اگر حاکم شرع، صلاح را در معرفی عمومی و تشهیر محتال دید تا مردم خود را از شر و حیله‌گری او در امان نگه بدارند، آن را انجام می‌دهد، زیرا این کار جزء امور حسبه و مربوط به نظم عمومی است.»

پس با توجه به عموم و اطلاق علت بیان‌شده برای جواز تشهیر زور و استفاده از وحدت ملاک، تسری این حکم و اعمال کیفر تشهیر برای جرم کلاهبرداری نیز قابل پذیرش است.

نه تشریح می‌شود...» (شریف مرتضی (علم‌الهدی)، ۱۴۱۵: ۵۱۵).

## ۲-۶- محاربه و تشریح

محاربه، از جمله جرایمی است که تشریح در آن (به نحو انتشار حکم محکومیت قطعی در روزنامه‌های محلی در ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی)، مجرای قانونی در نظام کیفری ایران دارد. مطابق قانون مجازات اسلامی: «محاربه عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنهاست، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد» که محارب به یکی از چهار طرق اعدام، صلب، قطع دست راست و پای چپ و نفی بلد به نص صریح آیه ۳۳ سوره مائده مجازات خواهد شد.

در عبارات فقها، حکم صریحی در جواز تشریح محارب دیده نمی‌شود، لیکن از آنجا که برخی بر این باورند که صلب محارب باید در زمان حیات او صورت گیرد و در معرض عموم باشد، در این امر به طور خودکار نوعی تشریح ایجاد شده و این گونه می‌توان چنین جوازی را استنباط نمود.

از جمله، شیخ مفید بیان می‌دارد: «در هر صورت کشتن آنها واجب است، به وسیله شمشیر یا آن که بر صلیب شوند تا بمیرند» (مفید (شیخ مفید)، ۱۴۱۰: ۸۰۵) که عبارت «حتی یموتوا»، نشان از زنده بر صلیب شدن محارب دارد.

## ۲-۷- جرایم اقتصادی و تشریح

موضوع جرایم اقتصادی، اموال است، اما منظور از اموال در اینجا، اموال خصوصی اشخاص نیست، بلکه باید جنبه عمومی داشته باشد. از آن جهت که بیشتر، جرایم اقتصادی را برای جرایم علیه اموال عمومی به کار می‌برند، ضرورت صیانت از بیت‌المال و اموال عمومی مقنن را بر آن داشته که در این نوع از جرایم با صراحت سخن از تشریح (از طریق انتشار حکم محکومیت قطعی) در تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی به میان آورد. چنین رویه‌ای، اما در فقه امامیه پشتوانه فقهی استواری از جهت روایی نداشته و قائلین چنین تشریحی بیش از روایت، به مصلحت و دلیل عقل جهت جلوگیری از ضرر عمومی و حفظ نظام و حرمت اختلال در آن تمسک جسته‌اند. عمده استناد روایی در جواز تشریح در چنین مواردی همان روایت از امیرالمؤمنین در خصوص ابن هرمة است (نوری

طبرسی، ۱۴۰۸: ۴۰۳)، مصلحتی که تشخیص آن به حاکم واگذار شده، البته برای آن حد و مرزی در نظر گرفته‌اند: امام علی (ع) در همین زمینه و با در نظر گرفتن مصلحت در بخشی از نامه ۵۳ نهج‌البلاغه خطاب به مالک اشتر در عهدنامه معروفش آورده‌اند: «از یاران و کارگزاران بر حذر باش. اگر یکی از آنان دست به خیانت دراز کند و مأموران مخفی تو بالاتفاق خیانتش را گزارش نمایند اکتفاء به همین گزارش تو را بس باشد و او را به جرم خیانت کیفر بدنی بده و وی را به اندازه عمل ناپسندش عقوبت کن و سپس او را به مرحله ذلت و خواری بنشان و داغ و مهر خیانت را بر او بگذار و نام او را به خیانت ببر و گردنبدن عار و بدنامی را به گردنش بینداز.» برخی فقهای معاصر، این واکنش کیفری نسبت به چنین خائنی را نوعی تعزیر می‌دانند.

آیت‌ا... صافی گلپایگانی در پاسخ به استفتائی در موضوع تشریح مفسدان اقتصادی می‌گوید: «چنانچه در محاکم صالحه تصرفات غیرمشروع آنها ثابت شده باشد و انتشار اخبار آن به مصلحت عموم باشد و موجب جلوگیری از فسادهای دیگر در جامعه برای دیگران باشد، مانعی ندارد، والله عالم.»

فقیهی دیگر در پاسخ همین استفتا آورده است: «تشریح مجرمین و نه متهمین، با صلاح دید حاکم شرع اشکال ندارد، ولی اهانت و تخریب شخصیت، حتی در مورد مجرمین جایز نیست.»

آنچه محل بحث در این جواز و خصوصاً مبانی آن است، تزامم حق و مصلحت است، آنگاه که حق بر حفظ آبروی اشخاص (ولو مجرمین) در جریان دادرسی با یک نفع جمعی یا همان مصلحت جمعی در تزامم است. به نظر می‌آید که باید با احتیاط مسأله را حل نمود. برخی حقوق‌دانان در بیان حل چنین مسأله‌ای این گونه راهکار داده‌اند: «حق و مصلحت دو بال فرشته عدالت‌اند. توجه به حق با انکار مصلحت و یا اولویت بخشیدن به مصلحت با نادیده گرفتن حق، نظریه عدالت را سست و تهی از معنا می‌سازد. بر این بنیاد به سبب اهمیت نهاد حق برای حفاظت از کرامت ذاتی و فاعلیت اخلاقی افراد انسانی و به سبب ضرورت تمسک به نهاد مصلحت به سبب اهمیت آن برای حفاظت از اصل حیات

عکس نیز داشته باشد، لذا آموزش‌ها، احکام و مقرراتی در سیاست جنایی اسلام که هدف «کیفرزدایی» یا به تعبیر دقیق‌تر اجتناب و انحراف از کیفر را دنبال می‌کنند، بسیار متعدد و مختلف بوده و مراحل چهارگانه «تعقیب مجرم»، «اثبات جرم»، «حکم به مجازات» و «اجرای مجازات» را فرا می‌گیرد. با مطالعه روش‌های پرهیز از کیفر در سیاست جنایی اسلام، هرچه بیشتر به محدودیت‌های مجازات در این سیاست واقف می‌شویم.

دو ویژگی در سیاست جنایی اسلام موجب آن است که بخشی از جرایم مورد تعقیب قضایی قرار نگرفته و به مجازات منتهی نشود: «گسترده‌گی جرایم قابل عفو» و «ترجیح بزه‌پوشی» (حسینی، ۱۳۹۳: ۱۵۸). باید توجه نمود که کیفر، آخرین و البته تأثیرگذارترین اقدامی است که سیاست جنایی در جریان دادرسی انجام می‌دهد. از این رو هر قدر که نظام دادرسی با آخرین اصلاحات لازم در نیل به اهدافی، چون حق مداری و بازپروری اشخاص منطبق شود، ولی کیفر جرایم از این مسیر باز ماند، چه بسا که تمام آن مساعی بی‌ثمر شود.

### ۳-۱- آثار مثبت تشهیر

کیفرها در طول سالیان، شاید، قدر متیقن، به دنبال دسترسی به سه هدف مهم بوده‌اند: ۱- به ارباب و تهدید جمعی و فردی جامعه عمل ببوشاند؛ ۲- سزای عادلانه‌ای برای رفتار ضداجتماعی بزهکار باشد؛ ۳- بالاخره به بازپروری و بازپذیری مجرم بپردازند. عده‌ای معتقدند که تشهیر چه به طریق سنتی و چه نسخه مدرن آن، دارای مزایای پیش‌گفته است که علاوه بر این می‌تواند به دیگر هدف سیاست جنایی نوین، یعنی پیشگیری از جرم، نیز کمک کند. نکته حائز اهمیت در این خصوص، اما تردید در قابلیت بازپروری و بازپذیری کیفر تشهیر است، چراکه اساس تشهیر بر رسواسازی و ترذیل شخص مجرم بنا شده است و بعید به نظر می‌رسد که حتی در مدرن‌ترین مدل‌های ارائه شده آن بتوان راهی برای بازپروری یافت.

### ۳-۱-۱- پیشگیری از جرم

یکی از مزایایی که برای کیفر تشهیر برشمرده‌اند، پیشگیری وضعی از جرم است (نجفی ابراندآبادی، ۱۳۹۵: ۶۲۰-۶۱۹). باید خاطر نشان کرد که اگرچه تشهیر شخص مجرم خصوصاً

جمعی، باید به جای نادیده گرفتن منافع عمومی به قیمت توجه به فرد یا قربانی نمودن فرد در پای جمع، بر مبنای یک دستگاه محاسباتی عدالت‌محور، به برقراری تعادل و توازن میان این دو ارزش نظام حقوقی و سیاسی پرداخت» (راسخ و بیات کمیتکی، ۱۳۹۱: ۴۲۶).

به نظر می‌رسد همین رویکرد عدالت‌محور میان حق و مصلحت، در مواردی چون اعمال تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی نیز باید سرلوحه قرار گرفته شود. چنین رویکردی نیازمند نظارت دقیق‌تر بر نحوه به‌کارگیری این تبصره است، البته مصلحت مراتبی دارد که اگر به حد ضرورت نرسیده باشد، نمی‌تواند ملاک حکم قرار گیرد.

### ۳- ارزیابی کیفر تشهیر

در سیاست جنایی یک کشور علاوه بر دولت، باید نقش جامعه و خصوصاً نهادهای مختلف مدنی را نیز در نظر گرفت. همچنین امروزه سیاست جنایی به واکنش در برابر جرم صورت گرفته خلاصه نمی‌شود و کلیه تدابیر و اقدام‌های پیشگیرانه و سرکوبگرانه‌ای که توسط دولت و جامعه مدنی، جداگانه و یا با مشارکت یکدیگر، جهت پیشگیری از جرم، مبارزه با بزهکاری، اصلاح و یا سرکوب مجرم به کار برده می‌شود را دربر می‌گیرد. بنابراین نخستین هدف ثابت سیاست جنایی (انتخاب روش‌ها) بر پایه سه محور اساسی آزادی، مساوات و اقتدار، تأمین امنیت اشخاص و اموال، انسجام و بقای جامعه است.

با تحولات نظام‌های کیفری در دنیا طی قرون گذشته، ضرورت ارزیابی و بازنگری در سیاست جنایی در ایران نیز بیش‌ازپیش نمایان شده است. سیاست جنایی در کشورهای مختلف علی‌رغم تمام تفاوت‌ها، امروز هدف نسبتاً یکسانی پیش روی خود مشاهده می‌نمایند. هدفی که مجازات را از یک ابزار ترذیلی با چاشنی انتقام جامعه از فرد، تبدیل به یک وسیله اصلاحی با کارکرد تعدیل جامعه‌ای که نظم آن دچار اختلال گشته، شده است. بنابراین عاقلانه است که طرق سنتی مجازات ارزیابی شده و مزایا و معایب آن به نقد و رأی گذاشته شود، چه بسا کیفرهایی که امروزه جوامع را به آن اهدافی که از مجازات مد نظر قرار داده‌اند، نرسانده و اتفاقاً اثر



باید توجه داشت که ارتکاب جرم از سوی مجرم، او را مهدور العرض نساخته و حیثیت او را به باد نمی‌دهد. مرتکب سنگین‌ترین جرایم نیز از حق حفظ کرامات انسانی برخوردار هستند. حقی که به‌نظر می‌رسد تشهیر، فاصله اندکی تا تضييع آن داشته و فردی که تشهیر شده، به‌سختی بتواند حیثیت لطمه‌دیده خود را بازسازی نماید.

### ۳-۲-۲- تنافی با اصل شخصی‌بودن مجازات

اگرچه غالب کیفرها به‌شکل اجتناب‌ناپذیری تأثیر خود را بر روی اطرافیان بزهکار گذاشته و به نوعی آن‌ها را نیز مجازات می‌کند. برای مثال مجازاتی مثل زندان و حبس برای سرپرست یک خانوار تأثیر به‌سزایی بر روی خانواده بزهکار که فعل مجرمانه‌ای انجام نداده‌اند، گذاشته و آن‌ها را درگیر معضلاتی بزرگ از جهت اقتصادی، عاطفی، فرهنگی و ... می‌کند، اما در این میان، تشهیر کیفری است که نه به اقتصاد خانواده که به حیثیت و آبروی یک خانواده یا حتی یک طائفه ممکن است لطمات جبران‌ناپذیری وارد کند، خاصه آن‌که در جامعه ایرانی، پیوند عمیقی میان فرد با خانواده‌ای که در آن رشد و نمو یافته یا خانواده‌ای که سرپرست آن است، وجود دارد و نمی‌توان از سرایت لطمات حیثیتی فرد به آبروی خانواده وی، به دیده اغماض نگریست و چه‌بسا اگر تشهیر در سطح کلان همچون رسانه ملی صورت گیرد، تنها راه نجات خانواده بزهکار جدایی و گسست از جامعه‌ای باشد که بزهکار در آن تشهیر شده است. بنابراین در قیاس با مجازاتی چون حبس که لطمات عاطفی و اقتصادی به بنیان خانواده وارد می‌کند، تشهیر تدثیر منفی بسیار قوی‌تری داشته و به نوعی اصل شخصی‌بودن مجازات را زیر سؤال می‌برد.

### ۳-۲-۳- قهرمان‌سازی

مجموعه‌ای از عوامل دست‌به‌دست هم داده و در گذر زمان موجب می‌شود که در یک قشر از جامعه ضدفرهنگ ایجاد شود، یعنی خرده‌فرهنگ‌هایی شکل می‌گیرد که ناسازگار و مخالف با فرهنگ عمومی و در عین حال مرتبط با آن هستند. برخی اقدامات کیفری که در فرهنگ عمومی موجبات بی‌اعتباری و بی‌آبرویی شخص بزهکار را فراهم می‌سازد، در این ضدفرهنگ‌ها تأثیر عکس داشته و اتفاقاً آن‌ها را

اقداماتی با سخت‌گیری بیشتری پیگیری و واکنش نشان داده شود، در نتیجه شاید در این نگاه و با تکیه بر اصل تناسب مجازات که یکی از اهداف بسیار مهم سیاست جنایی هر کشوری است، ضمن قبول ماهیت ترذیلی تشهیر، آن را سزای مناسبی برای کسی دانست که ضربه مهلکی به نظم عمومی و همان‌طور که اشاره شد، به نظم اقتصادی وارد آورده است. به‌کارگیری تشهیر به‌خصوص در جرایمی چون کلاهبرداری که زمینه آن اعتماد عمومی است، با توجه به رسواسازی غارتگران این اعتماد، شاید بتواند پاسخ مناسب و مرتبیتی به این دست از جرایم باشد.

در پایان این مبحث باید خاطر نشان کرد که نگاه به مزایای تشهیر، نیاز به دید واقع‌بینانه‌تری از گذشته دارد. پیشگیری از جرم و بازدارندگی از جرایم از طریق تشهیر اگر مزیتی قوی و تأثیرگذار می‌بود، اینک آمارها افزایش جرایم موضوع تشهیر را نشان نمی‌داد و برای صرفه اقتصادی آن نیز از چندین و چند جایگزین، همچون جایگزین‌های حبس که عموماً نیز اقتصادی هستند، می‌توان بهره جست، اما شاید دو مزیت تناسب جرم و مجازات و جلب اعتماد عمومی نسبت به نظام عدالت کیفری در جرایم یقه‌سفید، جایگزین بهتری نداشته باشد.

### ۳-۲-۳- چالش‌های ناظر بر تشهیر

کیفرها به هر طریق و روشی که اعمال شوند، خالی از عیب نیستند، اما آن‌چه حائز اهمیت است، این نکته است چنان‌چه با بررسی دقیق یک کیفر معایبی چند از آن آشکار شد، باید به نسبت منافع آن اقدام به ارزیابی گذاشته نموده و در صورت سودمندی، نظام عدالت کیفری سعی خود را در رفع نقایص تا آنجا که امکان آن موجود است، انجام دهد.

### ۳-۲-۱- لطمه به کرامات انسانی

هم در آموزه‌های دینی اسلام (اسراء/۷۰) و هم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (اصل ۳۹ قانون اساسی)، از حیثیت و کرامت ذاتی انسان‌ها، فارغ از هرگونه تقسیم‌بندی، سخن گفته شده که در فصول گذشته به تفصیل از آن یاد شده است.

جامعه خبری از غارت ریز و درشت بیت‌المال از مسؤل خرد و کلان باشد، برخلاف ظاهر امر که گمان اعتمادسازی به ساختار نظارتی برای مردم است، اتفاقاً این اقدامات اگر از حد خود بگذرد، موجب بدبینی و سوءظن مردم به آن ساختار سیاسی می‌شود.

این مطلب به معنی آن نیست که برخورد قاطعی با مفسد مالی در ساختار اداری و سیاسی صورت نگیرد، بلکه منظور آن است که اعلان عمومی ریز و درشت این موارد که از قضا ممکن است در هر نظام حاکمیتی وجود داشته باشد، اندک اندک موجب ریزش اعتماد عمومی شده و چه بسا جمع عظیمی از افرادی که در همان ساختار صادقانه در حال خدمت هستند، قربانی این سیل ویرانگر شده و سره و ناسره در هم آمیزد. این گونه است که سوءتفاهم‌ها برای ملت شکل گرفته و شهروند گمان می‌کند که پا در هر نهادی در حاکمیت که می‌نهد، حتماً عده‌ای مختلس و مفسد اقتصادی در آنجا مستقر هستند. بنابراین تشریح پی‌درپی این دست از افراد، تالی فاسدی چنین عظیم دربر خواهد داشت و مناسب است به جای تمرکز بر چنین امری، بر ریز و درشت ساختارهای موجود تمرکز کرده و ساختاری شکل داد که عملاً امکان تشکیل هسته‌های فساد در آن بسیار اندک باشد تا این که در کمین نشسته و هر آن منتظر بود تا از این ساختار فسادخیز، مدیر یا مستخدمی بیرون کشیده و چوب حراج بر آبروی آن دستگاه و کارکنانش زد.

شفافیت در نهادهای تصمیم‌گیر، از جمله راه‌هایی است که با اعمال نظارت مردم و مطبوعات می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد. کاستن از بروکراسی پیچیده و اختیارات فردی مسؤلانی که در رأس نهادها هستند نیز از دیگر راه‌ها در این زمینه است.

### ۳-۲-۵- ترویج عوام‌گرایی کیفی

یکی دیگر از پیامدهای تشریح مجرمین، خروج تصمیمات قضایی از مسیر عدالت و گرایش قضات به جلب رضایت عامه مردم است. انحرافی بس خطرناک که سرنوشت افراد در جریان دادرسی را به تمایلات هیجانی و بدون علم و اطلاع حقوقی اکثریت جامعه گره خواهد زد. توضیح آن که در پی

قهرمان‌هایی متناسب با همان ضدفرهنگ می‌کند. برای مثال در قبال رفتار ضدفرهنگی موسوم و معروف به ارادل و اوباش<sup>۱</sup> شاید تشریح و دوره‌گردانی نه تنها یک عامل استخفاف نباشد، بلکه بزهدار از آن به جهت ایجاد شهرت در آن ضدفرهنگ استقبال نماید! چنان که چندی پیش تقسیم‌بندی پلیس آگاهی درخصوص این دست از مجرمین به ارادل سطح یک و سایر ارادل، از قضا با استقبال این ضدفرهنگ روبه‌رو شده و برخی از آنان قهرمانانه خود را سطح یک خوانده و حتی این عنوان را به تقلب برای خود غصب می‌نمودند، تا جایی که رفته‌رفته اصطلاح سطح یک بدل به عنوان افتخارآمیزی در این ضدفرهنگ شد.

### ۳-۲-۴- تبدیل بزهدار به منتقم

شاید امید، بارزترین و آخرین سرمایه‌ای است که یک شخص از آن بهره می‌برد، به همین جهت نیز در سیره معصومین ما نیز ناامیدی گناهی بزرگ تلقی شده است و به طریق اولی ناامیدساختن دیگران نیز عملی برخلاف دستورات شرعی است. امید، شوق اصلاح را برای بسیاری حتی با حبس‌های طولانی‌مدت ایجاد کرده و به نوعی نیروی محرکه آنان برای بازپروری است، حال آن که تشریح با لطمه حیثیتی عظیمی که به جایگاه شخص وارد می‌سازد، آن‌ها را از بزهدارانی با امکان برگشت به اجتماع تبدیل به منتقمینی کینه‌جو و زخم خورده که راه بازگشت را بسیار دور از دسترس می‌بیند، کرده و طبیعی است که جامعه باید منتظر هرگونه رفتاری از فردی باشد که دیگر چیزی برای از دست دادن ندارد.

### ۳-۲-۵- ریزش اعتماد عمومی

وجود رخنه و متعاقباً شکل‌گیری فساد در ساختار سیاسی و اداری امری غیرقابل قبول، لیکن متداول است، حال نحوه مواجهه با چنین مفاسدی می‌تواند در اعتماد عمومی مؤثر افتد. اگر حاکمیت پی‌درپی و به‌طور مرتب، اقدام به آشکارکردن ریز و درشت تخلفات کند و هر روز در اخبار آن

<sup>۱</sup> - نگارنده توصیف مذکور را درخصوص این دسته از اشخاص، غیرانسانی و غیرفرهنگی می‌داند، چراکه بر فرض آن که این دست از افراد به‌طور دائم مرتکب نوعی خاص از جرایم شوند، باز هم رواج بی‌احترامی در حق آن‌ها با توصیفات چوین رذل، صحیح نیست.

درخصوص شخصی که به هر طریقی تشهیر شده، نوعی سوءظن از سوی جامعه برای مدت‌های مدید (حتی تا پایان عمر) ایجاد شود و بدون حکم قانونی، از بسیاری فعالیت‌های گروهی و جمعی محروم نماید.

در این حالت ممکن است شخص از لحاظ قانونی مانعی برای بهره‌بردن از برخی حقوق اجتماعی نداشته باشد، لیکن آحاد جامعه به‌جهت اعتماد ازدست‌رفته، از طریق آشکارشدن خطای سابق او، او را از حضور تأثیرگذار مجدد در جامعه منع کرده و بدین‌صورت شخص محکوم به مجازاتی نانوخته شود.

### ۳-۲-۸- قبح‌زدایی از جرم

یکی از جنبه‌هایی که موجب ایجاد نوعی قباح و پلستی برای رفتار مجرمانه می‌شود، آن است که این رفتارها خلاف عادت عمومی و استثنا هستند و چنان‌چه جامعه حس کند که رفتار مذکور از موضع استثنا خارج شده است و به قاعده تبدیل شده، دیگر قباح چندانی برای آن قائل نخواهد بود.

بنابراین تشهیر بزهکاران در صورتی که درخصوص جرایم مختلف بوده و بارها و بارها تکرار شود، رفتار را از موضع استثنا خارج کرده و اندکی بعد برای افراد جامعه، آن رفتار مجرمانه موضوعی تکراری و قاعده‌مند تلقی خواهد شد که نتیجه این تلقی، سقوط قبح اخلاقی رفتار مجرمانه در اذهان جامعه است.

### ۳-۲-۹- بدآموزی

همان‌طور که پیش از این نیز بیان شد، یکی از وظایف رسانه‌ها، آگاهی‌بخشی و ایجاد زمینه‌های لازم برای کاستن از جرایم است و در این مهم رسانه می‌تواند با تولید محتوای آموزشی و ترویج مباحث اخلاقی، نقش پررنگی در پیشگیری وضعی از جرم داشته باشد. حال اگر رسانه با چنین حیطه وظایفی شروع به انتشار حکم محکومیت و متعاقباً انتشار جزیبی یا کلی بزه صورت‌گرفته نماید، ناخواسته شیوه ارتکاب جرم را هر روزه به طرق مختلف به مخاطبان خود آموزش خواهد داد و بدین‌صورت هر آن‌چه که در راستای پیشگیری رشته بود، با آموزش غیرمستقیم بزهکاری، پنبه خواهد شد و پس از مدتی ماهیت خود را دچار قلب و دگرگونی خواهد دید.

انتشار حکم محکومیت قطعی در رسانه‌ها، قطعاً نامی از قاضی یا قضات صادرکننده رأی نیز به میان خواهد آمد و دور از ذهن نخواهد بود که همین موضوع بر قاضی صادرکننده رأی تأثیر گذاشته و ناخودآگاه در تصمیمات خود در پی کسب رضایت عموم مردم باشد.

این امر همچنین برای دادستان یا نماینده وی نیز دور از ذهن نخواهد بود و بعید نیست که تحت فشار افکار عمومی، بیش از آن‌چه به عدالت نزدیک باشد، در پی محکومیت شخص متهم باشد.

بنابراین به شهرت باید به‌عنوان یک تله در مسیر حرکت مقامات قضایی به سوی عدالت نگریست و تا حد ممکن از تأثیرگذاری آن کاست، خاصه آن‌که دیده می‌شود علاوه بر مردم، رسانه‌ها نیز بر این عوام‌گرایی کیفی دامن زده و بعضاً به دور از موازین حقوقی سعی در القای فضای هیجانی بر جریان دادرسی یک یا چند پرونده خاص دارند.

### ۳-۲-۶- گسترش ابتذال رسانه‌ای

ورود جزئیات آرای قضایی و مشخصات محکوم در جریان دادرسی، می‌تواند سوت آغاز یک مسابقه ابتذال رسانه‌ای باشد، چراکه با گسترش و تنوع رسانه‌ها، هر متولی رسانه سعی در پوشش خبری جزئی‌تر و داغ‌تر موضوعاتی این‌چنینی دارد و گویی که هر رسانه‌ای که بتواند بیشتر بر دلان‌های خصوصی زندگی محکوم پرتو افکنده و آن را آشکار سازد، پیروز این رقابت است. رقابتی که حیثیت افراد وسیله بازی و هیزمی برای سوخت‌وساز آن است. شایان ذکر است که بقای یک رسانه به مخاطب آن بوده و در این میان اعطای خوراک این‌چنینی، موجب تغییر کارکرد رسانه از وسیله‌ای جهت فرهنگ‌سازی، به ابزاری جهت فروپاشی حریم خصوصی اشخاص می‌شود.

### ۳-۲-۷- محرومیت اجتماعی پنهان

مطابق ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی، ارتکاب برخی جرایم بسته به شدت و ضعف آن‌ها، محکوم را از برخی حقوق اجتماعی برای مدتی و از برخی دیگر نیز ممکن است برای همیشه محروم نماید. این، اما نیمه آشکار ماجراست.

## ۳-۲-۱- سقوط اخلاق در اجتماع

موضوع تأثیرپذیری مردم از حاکمان خود، بحثی مبرهن است که هم در آموزه‌های دینی و هم در مواظ اخلاقی ادبای ایرانی قابل رؤیت است؛ جملاتی که منسوب به معصومین هستند، چون «الناس علی دین ملوکهم» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۷-۱/۱۰۲) یا «الناس بامرائهم اشیه من آبائهم» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۴۶/۱۰۲) و این بیت از سعدی: «اگر ز باغ رعیت ملک خورد سیبی / برآوردن غلامان او درخت از بیخ»، مصداق این ادعاست.

با این اوصاف، چنانچه هتک آبروی اشخاص به صورت رسمی و قانونی از طریق رسانه‌ها صورت گیرد، به زودی باید در انتظار چنین اقداماتی میان عامه مردم نیز بود و در پی این گرایش مردم، جامعه‌ای خواهیم داشت که افراد به طور مداوم یکدیگر را در معرض آسیب‌های حیثیتی قرار داده و در توجیه اقدام خود، به رفتار حاکمان استناد خواهند کرد.

با این تفاوت که در اقدام عامه مردم، شاهد وحدت شاکی و قاضی خواهیم بود و مجالی برای دفاع متهم نیز وجود نخواهد داشت و این گونه است که جامعه با یک آناشری اخلاقی روبه رو خواهد شد.

## ۳-۲-۱۱- ناکارآمدی و نتیجه‌بخش نبودن

حتی اگر بخواهیم از دیدگاه کارکردگرایان به موضوع تشریح بنگریم، یعنی تشریح را بر پایه نتایجی که از آن به دست آمده است، داوری کنیم، باز هم ردی از شکست در نتایج این روش دیده می‌شود. چنانچه سابقاً نیز بیان شد، کارکردهایی که برای تشریح در نظر گرفته‌اند، با گسترش جمعیت و امکان ساده جابه‌جایی افراد، با شکست مواجه شده و برای مثال دیگر یک بزهکار اختلاس یا کلاهبرداری مدت زیادی در خاطر جمعی باقی نمانده و سرعت وقایع بسیار بالاتر از این گونه مباحث است، لذا چه از جهت پیشگیری عمومی و چه از جهت پیشگیری اختصاصی که ناظر بر فرد بزهکار است، به نظر این پروژه با شکست مواجه شده است.

برای مثال اعلان و انتشار جزئیات حکم محکومیت بزهکاران موسوم به سلطان ارز یا سکه، نه تنها گره از کار فروبسته

نگشاد، بلکه هنوز هر از چندگاهی سلطانی دیگر از کناری برخاسته و به یک شیوه متفاوت دست به ارتکاب بزه می‌زند یا درخصوص شرکت‌های موسوم به هرمی، گمان می‌رفت که با تشریح عاملان و تشریح جزئیات بزهکاری ایشان و آگاهی افراد جامعه از آن، دیگر شاهد به دام افتادن دسته دیگری از افراد در این منجلاب نباشیم، لیکن هنوز هم شرکت‌های هرمی قربانی می‌گیرند و به کارایی انتشار حکم محکومیت قطعی طعنه می‌زنند.

نتیجه این که ارزیابی کیفر تشریح نشان داد که با چالش‌های بسیاری این کیفر مواجه است و روشن است کار کارشناسی دقیق و شایسته‌ای صورت نگرفته است و باتوجه به آثار تخریبی و تبعات بسیار منفی آن برای فرد و جامعه پیشنهاد خوبی برای جایگزینی مجازات‌ها، به‌ویژه حبس نیست و به نظر می‌آید با عجله و در بازه زمانی خاص جهت کاهش انتقادات به فراوانی فساد و جرایم و با نگاهی امنیت‌گرا و چه بسا فایده‌گرا، چنین نهادی تأسیس شده است.

راهکار اصلی در این زمینه محدودیت بیش از گذشته آن و برداشتن الزام قانونی با انجام کار کارشناسی دقیق‌تر است. نهادهای قضایی و تقنینی و اجرایی و انتظامی باید دیدگاه خود را در این زمینه درخصوص هجمه به شخصیت و حیثیت افراد که به نوعی شکنجه روحی است، تغییر داده و به شدت در مقابل قربانی‌کردن متهمان و حتی مجرمانی که مستعد حالت خطرناک و تکرار جرم نبوده، بایستند.

## نتیجه‌گیری

در سیاست جنایی اسلام، حیثیت آحاد جامعه مصون از تعرض است. هتک حرمت افراد ممنوع و بنابر مخفی بودن و بزه‌پوشی و عدم تجسس گناه و جرمی است که دارای شاکی خصوصی نبوده و ضرری متوجه جامعه یا حق‌الناس ندارد، اما مبارزه با جرم از گذشته در اشکال مختلف وجود داشته و صاحب‌نظران فقه و حقوق همواره درصد یافتن بهترین و مؤثرترین راه مبارزه و اصلاح و افزایش بازدارندگی و کاهش جرم بوده‌اند. مجموعه شیوه‌های مؤثر تحت عنوان مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی همیشه مورد توجه آنان با در نظر داشتن آموزه‌های دینی و سیاست‌های کیفری بوده است.

گرفته است)، پس تشهیر از دیدگاه فقهی حقوقی به مفهوم اعلام عمومی و انتشار تصویر و هویت وی است که به طبع در ذات آن رسواسازی نیز بیشتر اوقات نهفته است. رابطه تشهیر با انتشار تصاویر و اسامی بزهکاران، عموم و خصوص مطلق است. هر نوع انتشار تصاویر و اسامی تشهیر است، ولی هر نوع تشهیری نشر تصاویر و اسامی نیست، زیرا گرداندن بزهکار در کوچه و بازار غیر از انتشار تصاویر و اسامی بوده و در عین حال تشهیر و دارای وصف رسواکنندگی و اعلام عمومی است.

۲- مجاری تشهیر فقهی همچون تشهیر، شاهد زور، احتیال و محاربه مورد بحث قرار گرفت و مستندات فقهی و حقوقی آن ارائه شد و این نتیجه حاصل شد که تشهیر شاهد زور نزد فقها دارای مبنای شرعی است که به لحاظ جنبه تعزیری آن بستگی به ضرورت و صلاحدید حاکم اجرا می‌شود (تنها اختلاف فقها در وجوب یا جواز چنین مجازاتی بود).

۳- تشهیر باتوجه به ماهیت کیفرگونه و تعزیری، به هیچ‌وجه قابل کاربرد در قبال متهمانی که هنوز جرمشان ثابت نشده نیست و تاکنون مجوز شرعی و حقوقی در این زمینه ارائه نشده است. در این مورد به چند فقره استفتای فقهی که همگی تشهیر متهم را به شدت حرام و منع نموده‌اند، اشاره شد و دیدیم که تنها در مورد مجرم، آن هم با در نظر گرفتن ضرورت و مصلحت مهم‌تر تجویز شده است، زیرا حکم تشهیر با اصول پذیرفته‌شده حقوقی همچون اصل قانونی‌بودن جرم و مجازات، اصل برائت، اصل کرامت انسانی و فردی و شخصی بودن مجازات، منافات دارد. مع‌الأسف، قانون‌گذار در بدعتی نو در قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ مجوز تشهیر متهم را صادر نمود.

۴- دایره شمول تشهیر به لحاظ فقهی از آنجا که منصرف از تعریف حد است با استفاده از وحدت ملاک و یا تنقیح مناط به جهت تعلیل موجود در روایات (یطاف لیعرفوا و لایعودوا) با در نظر داشتن مصلحت مهم‌تر و ضرورت، قابل گسترش به سایر جرایم خواهد بود، ولیکن در این زمینه به لحاظ قانونی باید به موارد مصرح در قانون اکتفا کرد و تبعات منفی آن، از جمله لطمه به اصل کرامت انسانی، قهرمان‌سازی و تبدیل بزهکار

تشهیر مجرم یا متهم به گونه‌های مختلف، از جمله اعلام عمومی به مردم و گرداندن یا انتشار تصاویر و اسامی بزهکار یکی از آن شیوه‌هاست. دغدغه و سؤال اصلی این بود که ماهیت تشهیر چیست؟

محدودیت‌ها، آسیب‌ها، مزایا و چالش‌های آن از لحاظ مبانی و مجاری فقهی و حقوقی باتوجه به سیاست جنایی اسلام و ایران چه مواردی است؟

تشهیر، برخلاف سایر مجازات‌ها، به شدت دارای وصف ترذیلی و تحقیرکننده بوده و به صورت مستقیم، شخصیت و هویت آدم‌ها را هدف قرار می‌دهد. این درحالی است که در آموزه‌های دینی، آبروی مؤمن بالاتر از کعبه قلمداد شده است و قانون اساسی، اصول ۲۲ و ۳۹ با ذکر حیثیت مقدم بر جان، حفظ آن را لازم دانسته است و تصریح نموده که هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد، ممنوع و موجب مجازات است. شارع نمی‌پسندد که بی‌دلیل، شخصیت و آبروی افراد به خطر افتد.

انتشار تصاویر و اسامی بزهکاران یا تشهیر مطابق قانون جدید، یکی از انواع مجازات‌های تعزیری است که در مواد ۱۹، ۲۳ و ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ از آن به عنوان مجازات اصلی و تکمیلی و تبعی یاد شده و در جرایمی همچون کلاهبرداری، اختلاس، اعمال نفوذ و ... کاربرد دارد. در مواردی نیز اجرای آن در مورد برخی از مجرمین، الزامی شده است.

نتایج حاصل از پژوهش:

۱- تشهیر به مفهوم رسواسازی اساساً مورد توجه فقه‌های امامیه و قانون‌گذار نبوده و با سیاست جنایی ایران و اسلام سازگار نیست، گو این‌که برخی فقه‌های عامه فقه و حقوق در گذشته چنین اعتقادی داشته و با فتوای برهنه‌کردن بزهکار در میان مردم جواز تحقیر و هتک حرمت او را صادر نموده‌اند (این سیاست گاهی در مورد متهم توسط ضابطین با گرداندن وی در بین مردم و اجبار وی به فحاشی به خود به طرق مختلف انجام که به دفعات مورد اعتراض اندیشمندان قرار

- حسینی، سیدمحمد (۱۳۹۳). *سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- راسخ، محمد و بیات کمیتکی، مهناز (۱۳۹۱). «حق و مصلحت در ترازوی عدالت». *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، ۱۵ (ویژه‌نامه شماره ۸): ۳۸۵-۴۲۶.

- روزنامه دنیای اقتصاد (۱۳۹۸). شماره ۴۵۲۸، شماره خبر ۳۵۱۴۶۲۱.

- شریف مرتضی (علم‌الهدی)، علی (۱۴۱۵). *الاتصار*. قم: جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه بقم، مؤسسه النشر الإسلامی.

- طباطبایی کربلایی (حائری)، سیدعلی (۱۴۱۸). *ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل*. جلد پانزدهم، قم: مؤسسه آل‌البت (ع).

- طوسی، ابوجعفرمحمد (۱۳۶۵). *تهذیب الأحکام فی شرح المقنعه للشیخ المفید رضوان‌الله علیه*. تهران: دارالکتب الإسلامیه.

- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴). *بحارالانوار*. جلد صدودوم، بیروت: مؤسسه الوفا.

- مدنی، سیدجلال‌الدین (۱۳۸۸). *آیین دادرسی کیفری ۱ و ۲*. تهران: انتشارات پایدار.

- مفید (شیخ مفید)، محمد (۱۴۱۰). *المقنعه*. قم: جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه بقم، مؤسسه النشر الإسلامی.

- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۹۵). «روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری». *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، ۱ (۲۰-۱۹): ۶۰۵-۶۲۸.

- نوری طبرسی، حسین (۱۴۰۸). *مستدرک الوسائل*. بیروت: مؤسسه آل‌البت (ع) لإحیاء التراث.

به منتقم و فرد ضداجتماع و ریزش اعتماد عمومی و ترویج توده‌گرایی یا عوام‌گرایی کیفری (پوپولیسم) و قبح‌زدایی از جرم و سقوط اخلاق را نباید فراموش کرد.

۵- باید در نظر داشت، با فرض کاربرد این نهاد کیفری که قانون‌گذار در مواردی الزامی نموده است، باید از شیوه‌های منسوخ و تحقیرآمیز گذشته جهت اعلام عمومی و اطلاع‌رسانی مانند گرداندن در سطح شهر و یا ملبس‌نمودن به پوشش پست و آفتابه به گردن‌انداختن و تصویرسازی قبیح مانند کاریکاتور و ... خودداری نموده و باتوجه به پیشرفت جوامع بشری و تکنولوژی از شیوه‌های نوین همچون اینترنت، فضای مجازی، جراید و روزنامه رسمی با حفظ حرمت متهم، مجرم و خانواده و ملیت و سایر مؤلفه‌های مشابه و تأثیرگذار استفاده نموده و تا حد ممکن از تبعات منفی و آسیب‌زای آن جلوگیری نمود.

**ملاحظات اخلاقی:** در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

**تعارض منافع:** نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

**سهم نویسندگان:** مشترک.

**تشکر و قدردانی:** ابراز نشده است.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

**منابع و مأخذ**

- قرآن کریم.

- نهج‌البلاغه.

- ابن‌ابی‌جمهور احسایی، محمد (۱۴۰۵). *عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث‌الدینیّه*. جلد سوم، قم: دارالسیدالشهدا.

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۷). *ترمیمولوژی حقوق*. تهران: کتابخانه گنج دانش.